

بررسی روایی و پایایی مقیاس خود ارزشی مشروط در میان  
دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اصفهان

عباس مرزبان<sup>\*</sup>، ذبیح‌الله کاوه فارسانی<sup>\*\*</sup> و فاطمه بهرامی<sup>\*\*\*</sup>

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی مقیاس خود ارزشی مشروط در میان یک نمونه ایرانی است. بدین منظور مقیاس خودارزشی مشروط را پس از برگردان نسخه اصلی به فارسی و اصلاح و تأیید آن توسط پنج تن از اساتید روان‌شناسی و زبان انگلیسی، فرم نهایی آن در میان ۴۴۸ دانش‌آموز (۲۰۰ دختر، ۲۴۸ پسر) شهر اصفهان اجرا شد که به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند. این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. برای تعیین پایایی از روش همسانی درونی و به منظور تعیین روایی از روایی همزمان و تشخیصی و ساختار عاملی تأییدی استفاده شد. دامنه تغییرات ضریب آلفا برای ۷ زیر مقیاس این آزمون از ۰/۷۵ برای «رقابت» تا ۰/۸۴ برای «تأیید دیگران» به دست آمد. همچنین ضریب آلفای کل آزمون ۰/۸۳ به دست آمد. داده‌های روایی همزمان، ضریب همبستگی این مقیاس با پرسشنامه عزت نفس رزنبرگ ۰/۱۰۶ بود که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین، نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که مقیاس خود ارزشی مشروط در نمونه ایرانی روایی و پایایی مناسبی دارد و می‌توان در موارد آموزشی و درمانی از آن استفاده کرد.

کلید واژه‌ها

مقیاس خود ارزشی مشروط؛ تحلیل عاملی تأییدی؛ اعتبار؛ پایایی

\* دانشجوی دکتری مشاوره شغلی دانشگاه اصفهان

\*\* دانشجوی دکتری مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز

\*\*\* استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان گروه مشاوره f. bahrami26@yahoo. Com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۸

## مقدمه

بدیهی است که در روان‌شناسی اجتماعی مردم به دنبال حفظ و ارتقاء عزت نفس خود هستند (آلپورت،<sup>۱</sup> ۱۹۹۵). افراد بهترین برگزیننده حوزه‌هایی هستند که خود ارزشی خود را بر آن پایه قرار می‌دهند، توانایی‌ها و صفات افراد پایه عزت نفس عمومی آن‌ها است (جیمز،<sup>۲</sup> ۱۹۸۰). برای برخی عزت نفس ممکن است به جذاب بودن، عشق، یا صلاحیت و برای برخی دیگر هم ممکن است به پاکدامنی، قوی بودن یا صلاحیت وابسته باشد. به عبارت دیگر افراد در خود ارزشی مشروط برای داشتن عزت نفس بالا و راضی کننده متفاوت هستند. خود ارزشی مشروط<sup>۳</sup> بیان‌کننده حوزه‌ای است که عزت نفس، به خاطر گذشته و ناتوانایی‌ها و نواقص تهدید می‌شود. در نتیجه، ممکن است افراد، به احتمال زیاد تمایلات و واکنش‌های منفی در حوزه‌هایی از وقایع آینده نشان دهند (کراکر و ولف،<sup>۴</sup> ۲۰۰۱). وقتی تهدیدات حوزه‌های وابسته، توسط پاسخ‌های دفاعی نمی‌تواند بر طرف شود، وقایع منفی این حوزه‌ها، در حیطه عزت نفس بروز پیدا می‌کنند. بنابراین، تفاوت‌های فردی و ثبات عزت نفس، در طی زمان ممکن است ناشی از تعامل خود ارزشی مشروط، با وقایع باشد (کرنیس و ویشل،<sup>۵</sup> ۱۹۹۵؛ کراکر و همکاران، ۲۰۰۲). به دلیل اینکه بی‌ثباتی عزت نفس با آسیب‌پذیری نسبت به افسردگی رابطه دارد، خود ارزشی مشروط در ترکیب با وقایع مربوطه ممکن است که افزایش علامت‌های افسردگی را پیشگویی کند (کراکر و همکاران، ۲۰۰۲؛ ولف و کراکر، ۲۰۰۱). افراد برای دسترسی به موفقیت و اجتناب از نقص در حیطه‌هایی تلاش می‌کنند که خود ارزشی آن‌ها مبتنی بر آن‌ها است (کارور و همکاران، ۱۹۹۸).

تلاش برای آزمون مفهوم جیمز (۱۸۹۰) درباره تفاوت‌های فردی در حوزه‌هایی که عزت نفس افراد مبتنی بر آن‌ها است، توسط مشکلات اندازه‌گیری و سنجش مختل می‌شود. در مواردی، وابستگی بین این حیطه‌ها و عزت نفس شانسی است (میجر<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۸؛ اسبرن<sup>۸</sup>، ۱۹۹۵).

- 
1. Allport
  2. James
  3. Contingent Self-Worth
  4. Crocker & Wolfe
  5. Kernis & Waschl
  6. Carver
  7. Major
  8. Osborn

برای مثال اسپرن (۱۹۹۵) در یک مطالعه طولی، این فرض را که دانش‌آموزان سیاه‌پوست شناخت بدی در ازای ادامه تحصیل دارند، را با بررسی ارتباط بین نمرات و عزت نفس عمومی آزمون کرد. اگر چه این روش مشکل است، برخی دانش‌آموزان حتی دانش‌آموزان دارای شناخت بالا، عزت نفس خود را علاوه بر حیطه مدرسه، به سمت روابط ضعیف بین پیشرفت تحصیلی و عزت نفس یا کاهش تشخیص عملکردشان در یک حوزه قرار می‌دهند. بیش‌تر مطالعات، تفاوت‌های فردی را در حیطه‌هایی بررسی می‌کنند که برای شناسایی خود ارزشی مشروط مهم هستند (رزنبرگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۵). نسبت‌ها علاوه بر نقش آن‌ها به‌عنوان یک پایه عزت نفس، از نظر شخصی هم می‌توانند مهم باشند، آن‌ها در فرهنگ افراد ارزشمند هستند، آن‌ها منبعی برای یک هدف مطلوب بوده و برای دوستان و فامیل و غیره مهم هستند (دسی و ریان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱؛ مارش<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳، ۱۹۸۶).

اگرچه، خود ارزشی مشروط، بدون شک با اهمیتی مرتبط است که افراد روی حیطه‌ای تعیین می‌کنند، درجه اهمیت تنها براساس ساخته جیمز (۱۸۹۰) به آنچه ما در گذشته بوده‌ایم و انجام داده‌ایم نزدیک است. به طور کلی، محققان هنوز برای توسعه اندازه‌گیری بی‌عیب تنوعی از خود ارزشی مشروط تلاش می‌کنند.

### حیطه‌های خود ارزشی مشروط دانش‌آموزان

در ارزیابی خود ارزشیابی مشروط بر هفت حوزه مهم توجه شد که بر منابع درونی و بیرونی متمرکز است و شامل صلاحیت و شایستگی<sup>۴</sup> تحصیلی، شکست دیگران در رقابت<sup>۵</sup>، تأیید دیگران<sup>۶</sup>، حمایت و عشق خانوادگی<sup>۷</sup>، ظاهر<sup>۸</sup>، عشق به خدا<sup>۹</sup>، تقوا و پاکدامنی<sup>۱۰</sup> است.

- 
1. Rosenberg
  2. Deci & Ryan
  3. Marsh
  4. Competencies
  5. Competition
  6. Approval From Generalized Others
  7. Family Support
  8. Appearance
  9. God's Love
  10. Virtue

• **صلاحیت و شایستگی تحصیلی**

عزت نفس، مشتق از ارزیابی صلاحیت‌ها یا توانایی‌های خاص فرد است (کوپراسمیت<sup>۱</sup>، ۱۹۶۷؛ هارتر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶؛ رزنبرگ، ۱۹۷۹). شایستگی تحصیلی بر عزت نفس بچه‌ها از مقطع ابتدایی تأثیر می‌گذارد (کوپراسمیت، ۱۹۶۷؛ دیمو و پارکر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷؛ هارتر، ۱۹۸۶؛ هوگ<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۰). نتایج تحصیلی مانند ارزیابی معلمان، نمرات مدرسه و جبران مردودی، آزمون شایستگی دبیرستان با عزت نفس عمومی مرتبط هستند، اگرچه دانش‌آموزان ممکن است عزت نفس خود را روی تنوع گسترده‌ای از صلاحیت‌ها قرار دهند، صلاحیت تحصیلی احتمالاً منبع مهمی از خودارزشی است (هوگ و همکاران، ۱۹۹۰؛ روزنبرگ و همکاران، ۱۹۹۵؛ ریچمن<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۸۵).

- **رقابت**

برای برخی، عزت نفس ممکن است نسبت به برتری بر دیگران و شکست دادن دیگران مبتنی باشد. مردان به‌ویژه برای عزت نفس، به برتری بر دیگران معتقد هستند (کراس و مادسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷؛ ژوزف<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۹۹۲).

- **تأیید عمومی دیگران**

عزت نفس به ادراکی اطلاق می‌شود که فرد نسبت به ارزشمند بودن خود دارد. این ادراک از تجاربی ناشی می‌شود که شخص در طی زندگی خود کسب کرده است (باتل<sup>۸</sup>، ۱۹۹۲) به نقل از پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد بین عزت نفس و الگوهای عملی درونی خود و دیگران رابطه وجود داشته باشد، گرچه عزت نفس و الگوهای عملی درونی از یکدیگر متفاوت هستند. عزت نفس در پرتو عقاید دیگران است و بر اساس فرایندهای عاطفی بنا شده

- 
1. Coopersmit
  2. Harter
  3. Demo & Parker
  4. Hoge
  5. Richman
  6. Cross & Madson
  7. Joseph
  8. Battle

است (براون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳ به نقل از احمدی، ۱۳۸۸). عزت نفس تا حدی بر دریافت تأیید و پذیرش از دیگران مبتنی است (کلی<sup>۲</sup>، ۱۹۰۲؛ کوپراسمیت، ۱۹۶۷؛ هارتر، ۱۹۸۶؛ مید<sup>۳</sup>، ۱۹۳۴). عزت نفس با آنچه مردم معتقد هستند دیگران درباره آنها فکر می‌کنند بیش‌تر از آنچه دیگران واقعاً آنها را می‌بینند، همبستگی مثبت دارد. نظر دیگران پایه مهمی از عزت نفس است.

#### - حمایت خانوادگی

مهر و علاقه دیگران به‌طور ویژه ممکن است برای عزت نفس مهم باشد (بارتلمیو، ۱۹۹۰؛ بالبی<sup>۴</sup>، ۱۹۸۲، کوپراسمیت، ۱۹۶۷). برای مثال نظریه دلبستگی معتقد است که مدل‌های روانی ارزشمند و دوست داشتنی خود، شامل مراقبت و حمایت، مرکزی برای دلبستگی هستند (بالبی، ۱۹۸۲؛ گریفین و بارتلمیو، ۱۹۹۴). هارتر (۱۹۸۶) دریافت تأیید یا عشق از اعضای خانواده به احساس عمومی خود ارزشی وابسته است. این مقیاس مخصوصاً روی عشق و حمایت خانواده تأکید دارد، چونکه تقریباً عزت نفس همه دانش‌آموزان، می‌تواند از این منبع مشتق شود.

#### - ظاهر

افراد به‌طور عمومی و زنان به‌طور خاص بر اساس ظاهر فیزیکی ارزیابی می‌شوند. یک نتیجه این موضوع این است که افراد یاد می‌گیرند برای ارزیابی خود، به‌دنبال ظاهر فیزیکی باشند. برای مثال در میان نوجوانان، ارزیابی ظاهر فیزیکی نسبت به خود ارزیابی در دیگر حیطه‌ها، مانند حیطه تحصیلی، ورزشی یا کسب شهرت، قوی‌ترین پیشگویی کننده عزت نفس عمومی برای پسران و دختران است (هارتر، ۱۹۸۶).

#### - عشق به خدا

اعتقادات مذهبی منبع مهم و قوی در زندگی بسیاری از افراد است. بررسی ملی نگرش‌های مذهبی آشکار کرد که ۹۰ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند که آنها به خدا یا یک

- 
1. Brown
  2. Cooley
  3. Mead
  4. Bowlby

موجود برتر اعتقاد دارند و دو سوم آن‌ها می‌گویند که مذهب نقش مهمی در زندگی آن‌ها ایفا می‌کند (گالاپ و بازیلا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). اعتقاد مذهبی ذاتی، شامل درجه‌ای که افراد تعهد خود را به عقاید مذهبی درونی بیان می‌کنند، همبستگی مثبت و متوسطی با عزت نفس و جنبه‌های دیگر روانی دارد (باکر و گورچ<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴؛ برجین<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۸۷؛ نلسون<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹). مذهب ممکن است از طریق اعتقاد به اینکه موجودی دوست داشتنی و ارزشمند و بی‌نظیر وجود دارد روی عزت نفس تأثیر مثبتی داشته باشد (بنسون و اسپیلکا<sup>۵</sup>، ۱۹۷۳؛ بلین و کراکر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۵؛ اسپیلکا و همکاران، ۱۹۸۵).

#### - تقوا و پاکدامنی

خود ارزشی مشروط بالقوه دیگری، کفایت اخلاقی فرد است. سرسپردگی به یک نظام نامه اخلاقی ممکن است به این قضاوت منجر شود که فرد پاکدامن و با ارزش است (سولومون<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۹۹۱).

#### تحلیل ساختار خود ارزشی مشروط خود

اینکه چگونه این منابع گوناگون عزت نفس به هم مربوط می‌شوند، برخی محققان فرض می‌کنند که افراد در آنچه عزت نفس آن‌ها برآن مبتنی است متفاوت نیستند، اما ترجیحاً درباره اینکه عزت نفسشان مشروط است یا نه، متفاوت هستند (کرنیس<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳).

دسی و ریان (۱۹۹۵) معتقد هستند که عزت نفس می‌تواند هم مشروط و هم واقعی باشد. عزت نفس واقعی، به صورت طبیعی از خود مختاری، عمل مؤثر در زمینه‌های حمایتی، و روابط مؤثر توسعه پیدا می‌کند. کرنیس (۲۰۰۳) پیشنهاد می‌کند که عزت نفس غیر مشروط کمال مطلوب است و عزت نفس مشروط تحت تأثیر کمال مطلوب است. از این نظر خود

- 
1. Gallup & Bezilla
  2. Baker & Gorusch
  3. Bergin
  4. Nelson
  5. Benson&Spilka
  6. Blaine&Crocker
  7. Solomon
  8. Kernis

ارزشی مشروط باید به وسیله یک عامل واحد تصرف شود. در مقابل ما فرض می‌کنیم خود ارزشی مشروط متمایز، همبسته‌های متمایز دارد. بنابراین، تحلیل زیر مقیاس‌هایی که از هفت حیطه مرور شد، هفت عامل همبسته را آشکار می‌کند. اگر افراد به داشتن وابسته‌های درونی یا بیرونی تمایل دارند، ما توقع داریم که این عوامل همبسته بوده و ساختاری پیچیده شامل زنجیره‌ای از عوامل بیرونی به سمت عوامل درونی داشته باشند (گاتمن<sup>۱</sup>، ۱۹۵۴).

نوع دیگر توصیف وابستگی این است که هفت عامل متمایز، در دو عامل دیگر سازماندهی شده‌اند. یکی شرایط درونی و دیگری شرایط بیرونی. از این نگاه، به جای نظم مبتنی بر زنجیره عوامل بیرونی به سمت عوامل درونی، خود ارزشی مشروط می‌تواند هم به صورت درونی هم به صورت بیرونی طبقه‌بندی شود. و این دو عامل می‌توانند الگویی از روابط بین زیر مقیاس‌ها ایجاد کنند. نهایتاً خود ارزشی مشروط ممکن است شایسته‌ترین حوزه‌ای نباشد که عزت نفس بر آن مبتنی است (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳).

### تفاوت‌های نژادی و جنسیتی

محققان جنسیت، مکرراً اظهار می‌دارند که زنان و مردان در خود ارزشی مشروط متفاوت هستند.

ژوزف و همکاران (۱۹۹۲) معتقد هستند که عزت نفس مردان در حیطه‌هایی، ناشی از تکمیل اهداف وابسته به جنسیت شامل استقلال، مجزا بودن و برتر بودن از دیگران است. در صورتی که در زنان، عزت نفس وابسته به حساس بودن به انطباق با دیگران، مرتبط بودن با دیگران و وابستگی عمومی به دیگران هستند.

تمایل به برتری، با عزت نفس مردان ارتباط قوی دارد، و زنان به احتمال زیاد گزارش می‌دهند که عزت نفس آن‌ها بر مقایسه‌های اجتماعی مبتنی است (اس‌والبی و استالیز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). همچنین تفاوت‌های قومی و نژادی، در پایه و مبنای عزت نفس پیشنهاد می‌شود. برای مثال عزت نفس آمریکایی‌های سیاه‌پوست نسبت به آمریکایی‌های سفید پوست همبستگی قوی‌تری با مذهب دارد (بلین و کراکر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵؛ گئورگ و نیمرا<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴). عزت نفس

- 
1. Guttman
  2. Schwalbe & Staples
  - 3 Blaine & Crocker

آمریکایی‌های سیاه پوست، در مقایسه با آمریکایی‌های سفید پوست، ممکن است کمتر بر تأیید و توجه دیگران مبتنی باشد (کراکر و لورنس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹).

اغلب پیشنهاد می‌شود که دانش‌آموزان سیاه پوست به احتمال کم‌تری نسبت به شاگردان دیگر عزت نفس خود را بر مبنای عملکرد تحصیلی قرار می‌دهند (میجر و اس چامدر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸؛ اسبورن، ۱۹۹۵؛ استیل<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷).

مقیاس خود ارزشی مشروط با هفت زیر مقیاس شامل تأیید دیگران، ظاهر، شایستگی تحصیلی، رقابت، حمایت خانوادگی، عشق به خدا و پاکدامنی یا تقوا، نسبت به مدل‌های دیگر مناسب‌تر بوده و هم برای زنان و هم برای مردان مناسب است (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳).

ایفاس<sup>۵</sup> اظهار می‌کند که این مقیاس تطابق خوبی برای سفید پوست‌ها و سیاه پوست‌ها و آسیایی‌های آمریکایی و همچنین تطابق ناچیزی برای غیر آسیایی‌ها فراهم می‌کند. این مقیاس دارای ثبات درونی خوبی است. جنسیت و نژاد متفاوت در خود ارزشی، پیشنهاد می‌کند که تجارب اجتماعی، پایه و مبنای خودارزشی را شکل می‌دهد (به نقل از کراکر و همکاران، ۲۰۰۳).

به طور مختصر و مفید، نتایج از روایی سازه و روایی صوری مقیاس حمایت کردند. همبستگی این مقیاس، که با دیگر ویژگی‌های شخصیتی هرگز از ۰/۳ متجاوز نشد، نشان می‌دهد که مقیاس ساختار متمایزی را اندازه می‌گیرد، همچنین همبستگی معنادار، از روایی سازه مقیاس حمایت کرد. به طور عمومی این الگو از اینکه خود ارزشی مشروط ساختاری پیچیده دارد و می‌تواند حامی این باشد که در یک رشته وابستگی‌های خارجی به سمت وابستگی‌های درونی منظم شود. مطالعات از روایی همگرا و واگرای مقیاس CSWS حمایت می‌کند و نشان می‌دهند که مقیاس چگونگی گذراندن وقت دانش‌آموزان را نیز پیش‌بینی می‌کند.

اندازه‌گیری‌ها روایی واگرای خوبی را نشان می‌دهند، و این مقیاس از عزت نفس عمومی

- 
1. George & Namara
  2. Crocker & Lawrence
  3. Major & Schmader
  4. Steele
  5. Efas

فرد، عزت نفس جمعی، خود شیفتگی، مطلوبیت اجتماعی و درآمد والدین متمایز است. همچنین مقیاس در طی زمان کاملاً ثابت بوده است (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳). همبستگی بالای پنج بعد شخصیت، از این موضوع حمایت می‌کند که خود ارزشی مشروط، ساختاری پیچیده از وابستگی‌های بیرونی و درونی دارد. منابع بیرونی خود ارزشی، که به رفتار دیگران یا ارزیابی کمال خود بستگی دارد، با روان‌رنجوری و عزت نفس پایین، خود شیفتگی یا ترکیبی از این ویژگی‌های شخصیتی ناسالم ارتباط دارد (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳). این الگو پیشنهاد می‌کند که عزت نفس مبتنی بر ویژگی‌های درونی، نسبت به عزت نفس مبتنی بر جنبه‌های خاص یا جنبه‌های بی‌ثبات مانند: تأیید یا موافقت‌های دیگران، واسطهٔ بهتری بر علیه اضطراب و عزت نفس پایین فراهم می‌کند (پیزینسکی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). نتایج مطالعهٔ کراکر و همکارانش (۲۰۰۳) از این فرض حمایت کرد که حیطه‌هایی که مردم عزت نفس خود را بر آن مبنا قرار می‌دهند بر چگونگی سازماندهی و هدایت زندگی آن‌ها دلالت دارد.

اثر خود ارزشی مشروط بر فعالیت‌ها، حتی وقتی اهمیت داشت که سطح عزت نفس کنترل شده بود، و این الگو با فرض ما سازگار است، که خود ارزشی مشروط دارای عملکرد خود تنظیمی مؤثر بر حوزه‌هایی است که مردم انرژی خود را هدایت می‌کنند (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳).

اگر چه خود ارزشی مشروط، رفتار مورد انتظار را پیشگویی می‌کند، این پیشگویی ضعیف است. ما به دو دلیل فکر می‌کنیم که این عمل جالب نیست، اولاً مردم دلایل زیادی برای رفتارهای خود دارند، که محدود به عزت نفس آن‌ها نیست. دانش‌آموزان ممکن است ساعات طولانی مطالعه کنند زیرا خود ارزشی آن‌ها مشروط است و اما ممکن است که ساعات طولانی مطالعه کنند زیرا خود ارزشی آن‌ها مشروط بوده و برای این رفتار پاداش بیرونی و تنبیه دریافت می‌کنند. آن‌ها در مدرسه خوب کار می‌کنند، زیرا خوب کار کردن برای آن‌ها ارزش مهمی است یا چونکه ذاتاً به مدرسه و یادگیری یافته‌های جدید علاقه دارند (ریان و کانل<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹). روان‌شناسان بر این باور هستند که عزت نفس، دارای یک نیروی قوی در زندگی افراد

---

1. Pyszczynski

2. Connel

است. اما ارتباط بین عزت نفس و رفتار به سختی برقرار می‌شود. ما معتقدیم که ارتباط، به اینکه آیا عزت نفس بالا یا پایین است وابستگی کم‌تری دارد، و بیش‌تر بر چگونگی مشروط کردن خود ارزشی افراد اشاره دارد (جیمز، ۱۸۹۰). توسعه مقیاس CSWS نشان‌دهنده گام مهمی به سوی کشف مفهوم بینش جیمز است (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳).

عزت نفس به ارزیابی فرد از ارزش‌های خود اشاره دارد، در حالیکه عزت نفس یک مقیاس عمومی در روان‌شناسی اجتماعی دارد، پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که تفاوت افراد در حیطه‌های گوناگون ارزیابی عزت نفس، نیازمند دیدگاه‌های چند بعدی برای اندازه‌گیری عزت نفس است. که مدل CSW دارای چنین چهارچوبی است (کراکر و ولف، ۲۰۰۱). کراکر و ولف ادراک ساده‌ای از عزت نفس بنا نهادند که بر رابطه عزت نفس پایین و مشکلات اجتماعی تأکید می‌کند. آن‌ها معتقد هستند که رفتار خوب و قابل اعتماد، به‌عنوان تابعی از حیطه‌های عزت نفس درک می‌شود. بدین گونه CSW تحت تأثیر زندگی افراد در پاسخ به اشکال گوناگون اجتماعی شدن ایجاد شد.

هفت حوزه وابستگی، توسط کراکر و همکارانش تعیین شد. که به طور خلاصه به توانایی‌های خاص شبیه شایستگی تحصیلی و رقابت اشاره دارد. به شکست دادن دیگران، تأیید توسط دیگران، به دریافت اعتبار از سوی دیگران، حمایت خانوادگی، به دریافت عشق و کرامت از اعضای خانواده، ظاهر، به خود ارزیابی فرد از ظاهر فیزیکی خود، عشق به خدا، ایمان به ارزشمندی وجودی برتر و تقوا و پاکدامنی، به تبعیت از یک نظام‌نامه اخلاقی اشاره دارد (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳).

کراکر و همکارانش (۲۰۰۳) متوجه شدند که تفاوت خود ارزشی مشروط واقعاً انواع متفاوت رفتار را پیشگویی می‌کند و تأثیرات وابستگی‌ها، موقعی مهم است که برای عزت نفس عمومی به کار برده می‌شود. به‌طور کلی افراد رفتارهایی را نشان می‌دهند که خود ارزشی آن‌ها را در حوزه‌های مشروط خاص، ارتقاء دهد و طرح کراکر و همکارانش (۲۰۰۳) تأیید می‌کند که CSW دارای عملکرد خود تنظیمی بوده و بر حوزه‌هایی تأثیر می‌گذارد که مردم نیروی خود را هدایت می‌کنند.

سورکین<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) اشاره کرده که کمال‌گرایی ممکن است در پاسخ به داشتن والدینی ایجاد شود که از نظر عاطفی در دوران کودکی دور از دسترس باشند، کمال‌گرایان نیز به وفور گزارش داده‌اند که آن‌ها نیز این ادراک را از والدینشان داشته‌اند که از نظر عاطفی بی‌تفاوت بوده‌اند، چنین کودکانی اغلب معتقد هستند که اگر آن‌ها برای کمال تلاش می‌کردند، ممکن است برای عشق و تأییدی که والدینشان ظاهراً دریغ می‌کرده‌اند شایسته و سزاوار می‌شدند و ممکن بود که چنین تلاش کمال‌گرایانه‌ای درونی می‌شد و در نتیجه برای رسیدن به کمال در خود ارزشی فرد مشروط می‌شد.

کراکر (۲۰۰۲) ادعا می‌کند که قضاوت عمومی از خود ارزشی بر عوامل درونی تکیه دارد که آن‌ها نیز حوزه‌های متمایزی هستند که موفقیت یا شکست را مستقیماً تحت تأثیر خود ارزشی قرار می‌دهند. بر اساس این مدل، به دنبال موفقیت یا شکست در حیطه‌هایی که خود ارزشی بر آن‌ها استوار است، خود ارزشی افزایش یا کاهش می‌یابد. بر اساس یافته‌های کراکر و پارک<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) موقعیت‌ها و رفتارهایی که خود ارزشی مشروط را ارضاء می‌کنند ترس‌ها و اضطراب‌ها را نیز مدیریت می‌کنند. خود ارزشی مشروط، همچنین اهداف خود اعتباریابی را در اثبات کیفیت حیطه‌هایی فعال می‌کند که ارزش فردی بر آن‌ها مبتنی است (کراکر و پارک، ۲۰۰۴).

در نتیجه خود ارزشی مشروط زندگی روزانه را به سه روش اصلی تحت تأثیر قرار می‌دهد، اول اینکه افراد به دنبال موقعیت‌هایی خارج از حیطه‌هایی هستند که خود ارزشی خود را بر آن حیطه‌ها مشروط کرده‌اند. دوم میزان تلاش در چنین موقعیت‌هایی تحت تأثیر درجه‌ای است که خود ارزشی فرد مشروط بر آن حیطه است. سوم اینکه واکنش به موفقیت‌ها و نواقص در چنین موقعیت‌هایی مستقیماً تحت تأثیر خود ارزشی مشروط است (کراکر، ۲۰۰۲). با توجه به مطالب گفته شده، هدف از این پژوهش، بررسی روایی و پایایی مقیاس خود ارزشی مشروط تحصیلی در میان نمونه‌ای از دانش‌آموزان ایرانی بود و در پی آزمودن این پرسش بود که آیا مقیاس خود ارزشی مشروط تحصیلی، روایی و پایایی مناسبی را برای کاربرد در جامعه ایرانی دارد یا خیر؟ و همچنین درصد این بود که نمره برش این مقیاس را در نمونه ایرانی برای

---

1. Sorotzkin

2. Park

استفاده در مسائل آموزشی و درمانی به‌دست آورد.

## روش

این پژوهش با توجه به پرسش تدوین شده، از نوع توصیفی و همبستگی است. در این پژوهش محقق به تهیه فرم فارسی بر اساس مراحل ارزیابی میزان تطابق زبانی مقیاس (یعنی هماهنگی ترجمه فارسی با متن انگلیسی) به صورت «ترجمه معکوس» به شکل زیر اقدام کرد: ابتدا متن انگلیسی پرسشنامه مستقلاً توسط محقق ترجمه شد، سپس متن اصلی انگلیسی به یکی از اساتید گروه مشاوره و دو تن از اساتید گروه زبان انگلیسی داده شد و پس از ترجمه توسط این افراد ترجمه‌ها با هم مطابقت داده شد و پیشنهادهای اصلاحی ایشان در ترجمه اعمال شد. به لحاظ اطمینان کامل از مطابقت ترجمه فارسی با متن اصلی، متن فارسی آزمون به یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته ادبیات انگلیسی دانشگاه اصفهان ارائه شد تا توسط ایشان به انگلیسی ترجمه شود. هدف این کار به ایشان توضیح داده شد و لذا متن اصلی به ایشان ارائه نشد. پس از برگردان ترجمه فارسی به انگلیسی، مجدداً ترجمه فارسی و برگردان انگلیسی آن مطابقت داده شد و اصلاحات نهایی در ترجمه اعمال شد. همچنین تعداد (۳۰) نفر از دانش‌آموزان در یک مطالعه مقدماتی فرم نهایی این پرسشنامه را پر کردند. هدف بررسی این نکته بود که آیا دانش‌آموزان برداشت واحدی درباره سؤالات پرسشنامه دارند؟ در پرسش و پاسخی که بین شرکت‌کنندگان و محقق درباره فهم و منظور هر سوال به عمل آمد، مشخص شد که سؤالات از لحاظ مفهوم‌رسانی مشکل ندارند.

کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی (دختر و پسر) شهر اصفهان که در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ مشغول به تحصیل بودند جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دادند که نمونه آماری از میان آن‌ها به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. بدین صورت که هر کدام از نواحی پنج‌گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان به‌عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد و با توجه به مساوی بودن تقریبی تعداد دبیرستان‌ها در هر ناحیه، از هر ناحیه سه دبیرستان دخترانه و سه دبیرستان پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شد. در گام بعد از هر دبیرستان یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. محققان سعی کردند در هر دبیرستان در نمونه آماری از دانش‌آموزان هر سه پایه (اول، دوم و سوم دبیرستان) حضور داشته باشند. حجم نمونه با

استفاده از کوکران ۴۵۰ نفر برآورد شد که برای جلوگیری از افت آزمودنی‌ها در کل تعداد ۵۰۰ پرسشنامه اجرا شد. که بعد از میزان افت، تعداد ۲۰۰ پرسشنامه دختر و ۲۴۸ پرسشنامه پسر باقی ماندند (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴).  
ابزارهای این پژوهش شامل ۲ پرسشنامه زیر بود:

### مقیاس خود ارزشیابی مشروط<sup>۱</sup>

مقیاس خود ارزشیابی مشروط یک مقیاس خود گزارشی است که دارای ۳۵ سؤال و از ۷ خرده مقیاس در یک طیف لیکرت ۷ گزینه شامل نمره (۱) به شدت مخالف تا نمره (۷) به شدت موافق است. زیر مقیاس‌های این مقیاس عبارت هستند از تأیید دیگران، ظاهر، شکست دیگران در رقابت، صلاحیت و شایستگی تحصیلی، حمایت و عشق خانوادگی، پاکدامنی و اخلاقی بودن و عشق به خدا. نسخه انگلیسی این مقیاس بر طبق گزارش کراکر و همکاران (۲۰۰۳) روایی و پایایی و ساختار عاملی یکسان و ثابتی برای هر دو جنس دارد.

### ۲- پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ (SSRI)<sup>۲</sup>

از مقیاس خود گزارشی عزت نفس روزنبرگ برای اندازه‌گیری روایی ملاکی در پژوهش حاضر استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۰ سؤال در طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای در دامنه‌ای از شدیداً موافق (۳) تا شدیداً مخالف (۰) درجه‌بندی می‌شود. نمرات بالاتر در این مقیاس عزت نفس بالا و نمرات پایین‌تر عزت نفس کم‌تر را نشان می‌دهد. روزنبرگ برای این مقیاس ضریب تکرارپذیری را ۰/۹۲ و ضریب مقیاس‌پذیری را ۰/۷۲ گزارش کرده است. برای این مقیاس روایی همگرا و واگرا نیز گزارش شده این گزارشات در مجموع نشان از همسانی درونی بالای آزمون است. در ایران محمدی (۱۳۸۴) در دانشگاه شیراز در بررسی روایی و پایایی این مقیاس ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۶۹۱ گزارش کرده است.

---

1. contingent self-worth Inventory  
2. self steem Rosenberg Inventory

## یافته‌ها

تحلیل‌های انجام شده عبارت هستند از: ۱- گزارش توصیفی از نمرات مقیاس خود ارزشی مشروط در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اصفهان، با توجه به دامنه سنی، جنسیت، میانگین و انحراف استاندارد شرکت‌کنندگان؛ ۲- بررسی شواهد مربوط به پایایی نسخه ترجمه شده مقیاس خود ارزشی مشروط بر اساس همسانی درونی پرسش‌ها به روش آلفای کرونباخ؛ ۳- بررسی شواهد مربوط به روایی نسخه ترجمه شده مقیاس خود ارزشی مشروط از طریق ساختار عاملی تأییدی (CFA)؛ ۴- به دست آوردن نمره برش این مقیاس برای کاربرد در موارد آموزشی و درمانی.

در این پژوهش ۴۴۸ دانش‌آموز دبیرستانی (۲۰۰ نفر دختر و ۲۴۸ نفر پسر) شهر اصفهان حضور داشتند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۴-۲۱ قرار داشتند. میانگین و انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ هر ۷ خرده مقیاس در جدول مشاهده می‌شود همچنین در این جدول داده‌های پژوهش کراکر و همکاران (۲۰۱۱) برای مقایسه با نسخه ایرانی خود ارزشی مشروط ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ برای نسخه ایرانی خود ارزشی مشروط

پژوهش حاضر		پژوهش کراکر	
دانش‌آموزان دبیرستانی (سن ۱۴-۲۱) ۴۴۸ = تعداد نمونه		دانشجویان مقطع لیسانس (سن ۱۶-۲۷) ۱۳۴۲ = تعداد نمونه	
خرده مقیاس‌ها	ضریب آلفای کرونباخ	میانگین	انحراف استاندارد
تایید دیگران	.۸۴	۴/۱۲	۱/۱۳
ظاهر	.۷۸	۴/۱۹	۱/۲۰
رقابت	.۷۵	۵/۵۱	.۹۶
شایستگی تحصیلی	.۷۵	۶/۳۸	۱/۱۱
حمایت خانوادگی	<sup>a</sup> .۸۷	۴/۴۶	۱/۱۱
تقوا و پرهیزکاری	<sup>a</sup> .۷۵	۵/۳۳	۱/۰۱
عشق به خدا	.۸۳	۵/۸۸	۱/۱۷
مقیاس کلی خود ارزشی مشروط	.۸۳	۳۲/۰۹	۴/۰۹

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقیاس ایرانی خود ارزشی مشروط از پایایی خوبی بهره‌مند است و داده‌های به‌دست آمده در این پژوهش با پژوهش کراکر (۲۰۰۳) همخوانی دارد یا به عبارتی نتایج این جدول با نتایج پژوهش کراکر همخوان است.

جدول ۲: آزمون کفایت نمونه‌برداری و کرویت بارتلت

آزمون کفایت نمونه‌برداری KMO	۰/۸۶۳
آزمون کرویت بارتلت	۶/۳۹۲
درجه آزادی	۵۹
سطح معناداری	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۲ آزمون KMO اشاره به این دارد که داده‌ها برای تحلیل عوامل مناسب است. مقدار این شاخص (KMO) از ۰/۶ بالاتر است و معناداری کرویت بارتلت، بیان‌کننده مناسب بودن داده‌ها برای انجام‌دادن تحلیل عاملی است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود شاخص (KMO) در این پژوهش برابر است با ۰/۸۶۳ که از ۰/۶ بالاتر است و کرویت بارتلت که برابر است با ۶/۳۹۲ معنادار است ( $p=۰۰۰/۰$ ). بنابراین، داده‌های این پژوهش برای انجام‌دادن تحلیل عاملی مناسب است.

در جدول ۳ همبستگی هر یک از خرده مقیاس‌ها را با سایر خرده مقیاس‌ها در پژوهش حاضر و پژوهش کراکر بررسی شده است.

جدول ۳: نتایج همبستگی درونی خرده مقیاس‌های پژوهش حاضر با حجم نمونه (۴۴۸)

خرده مقیاس‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- تأیید دیگران	-						
۲- ظاهر	۰/۰۶۰	-					
۳- رقابت	۰/۰۲۳	**۰/۰۱۴	-				
۴- شایستگی تحصیلی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	**۰/۰۶۸	-			
۵- حمایت خانوادگی	**۰/۰۱۵	۰/۰۰۲	**۰/۰۱۵	**۰/۰۲۳	-		
۶- تقوا و پرهیزکاری	۰/۰۰۰	- ۰/۰۰۴	**۰/۰۵۵	**۰/۰۵۶	**۰/۰۱۷	-	
۷- عشق به خدا	*۰/۰۱۱	- ۰/۰۰۷	**۰/۰۵۴	**۰/۰۵۰	*۰/۰۲۰	**۰/۰۵۱	-

\*  $p < .05$ , \*\*  $p < .01$

نتایج همبستگی درونی خرده مقیاس‌های پژوهش کراکر (۲۰۰۳) با حجم نمونه (۱۳۴۵)

نفر

خرده مقیاس‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- تأیید دیگران	-						
۲- ظاهر	**۰/۵۳	-					
۳- رقابت	**۰/۳۷	**۰/۴۵	-				
۴- شایستگی تحصیلی	**۰/۳۷	**۰/۴۲	**۰/۵۴	-			
۵- حمایت خانوادگی	**۰/۳۱	**۰/۳۰	**۰/۲۳	**۰/۴۵	-		
۶- تقوا و پرهیزکاری	**۰/۱۶	**۰/۰۸	**۰/۰۸	**۰/۳۱	**۰/۳۷	-	
۷- عشق به خدا	۰/۰۲	- ۰/۰۱	- ۰/۳۰	**۰/۰۷	*۰/۲۲	**۰/۳۲	-

\*\*  $p < .01$

داده‌های جدول ۳ حاکی از است که بین اکثر خرده مقیاس‌های نمونه ایرانی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. البته، برخی از همبستگی‌ها نیز منفی و غیرمعنادار به دست آمد که می‌توان گفت که خود ارزشی مشروط تا حدودی بستگی به فرهنگ جوامع دارد مثلاً بین تقوا و پرهیزکاری با تأیید دیگران رابطه‌ای منفی به دست آمد این نشان می‌دهد که در جامعه ما تقوا یک امر درونی است و به تأیید و تمجید دیگران وابسته نیست. نتایج این همبستگی با نتایج همبستگی‌های کراکر و همکاران (۲۰۰۳) همخوانی زیادی دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت که مقیاس ایرانی خود ارزشی مشروط در بین خرده مقیاس‌ها، البته با توجه به فرهنگ، از همبستگی مناسبی بهره‌مند است و با نسخه انگلیسی این مقیاس تا حدودی مطابقت دارد.

**جدول ۴:** به بررسی همبستگی ملاکی بین خرده مقیاس‌های خود ارزشی مشروط با عزت نفس رزنبرگ در مقیاس ایرانی در مقایسه با مقیاس انگلیسی اقدام می‌کند.

جدول ۴: نتایج همبستگی ملاکی بین خرده مقیاس‌های خود ارزشی مشروط با عزت نفس رزنبرگ در پژوهش حاضر

متغیر	تأیید دیگران	ظاهر	رقابت	شایستگی تحصیلی	حمایت خانوادگی	تقوا	عشق به خدا
عزت نفس رزنبرگ	- ۰/۰۳	**۰/۱۹	**۰/۱۴	**۰/۱۳	۰/۰۲	**۰/۱۴	**۰/۲۴

\*\*  $p < .01$

نتایج همبستگی پژوهش کراکر (۲۰۰۳) حجم نمونه (۱۳۴۵)

متغیر	تایید دیگران	ظاهر	رقابت	شایستگی تحصیلی	حمایت خانوادگی	تقوا	عشق به خدا
عزت نفس رزنبرگ	** -۰/۲۲	** -۰/۲۱	** -۰/۰۷	۰/۰۰	** ۰/۱۰	۰/۰۶	-۰/۰۲

\*\*  $p < .01$

در جدول ۴ نتایج این دو پژوهش در همبستگی بین خرده مقیاس خود ارزشی مشروط با عزت نفس رزنبرگ مقایسه شده است. البته، اگر تفاوتی در این دو همبستگی‌ها مشاهده می‌شود ناشی از تفاوت فرهنگی و حجم نمونه است. چون در پژوهش کراکر حجم نمونه بالا است چندان نمی‌شود به همبستگی‌های این نمونه‌ها اعتماد کرد. زیرا هر چه حجم نمونه بالا باشد اگر هم واقعاً همبستگی وجود نداشته باشد چون بالاست این اثر حجم یک همبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تجزیه و تحلیل فاکتورهای تأییدی عامل‌های مقیاس خود ارزشی مشروط همراه با انحراف استاندارد

متغیرها	عامل‌ها					
	پژوهش حاضر			پژوهش کراکر		
	SE	UL	SL	SE	UL	SL
تایید دیگران						
۱. برایم اهمیت ندارد که مردم در مورد چه فکر می‌کنند.	۰/۶۷	۰/۶۰	۰/۰۵	۰/۷۹	۱/۲۴	۰/۰۴
۲ آنچه که دیگران در مورد من فکر می‌کنند، اثری بر آنچه من در مورد خودم فکر می‌کنم، ندارد.	۰/۶۹	۱/۰۱	۰/۰۴	۰/۷۸	۱/۱۰	۰/۰۳
۳. برایم مهم نیست که مردم در مورد نظر منفی داشته باشند.	۰/۰۶	۰/۸۲	۰/۰۵	۰/۷۵	۱/۱۸	۰/۰۴
۴. عزت نفس من وابسته به آن چیزی است که دیگران در مورد من فکر می‌کنند	۰/۶۷	۰/۷۰	۰/۰۵	۰/۷۳	۱/۰۷	۰/۰۴
۵. اگر دیگران به من احترام نگذارند من نمی‌توانم به خودم احترام بگذارم	۰/۵۳	۱/۰۴	۰/۰۵	۰/۴۷	۰/۷۸	۰/۰۵
ظاهر						
۱. عزت نفس من ربطی به جذاب یا زیبا بودن من ندارد.	۰/۵۲	۰/۶۱	۰/۰۶	۰/۸۱	۱/۰۳	۰/۰۳

پژوهش حاضر			پژوهش کراکر			متغیرها	عامل‌ها
SE	UL	SL	SE	UL	SL		
.۰۳	.۹۸	.۷۷	.۰۶	.۶۲	.۵۱	۲. عزت نفس من وابسته به این است که چقدر احساس کنم چهره ام زیبا و جذاب است .	
.۰۴	۱.۰۷	.۷۵	.۰۶	۱.۳۳	.۷۸	۳. اگر فکر کنم که در نظر دیگران زیبا به نظر نمی رسم، عزت نفسم را از دست می دهم .	
.۰۳	.۹۱	.۷۰	.۰۵	۱.۰۷	.۸۲	۴. عزت نفس من رابطی به میزان احساس ام در مورد زیبا بودنم ندارد .	
.۰۳	.۶۷	.۵۰	.۰۶	.۹۸	.۸۷	۵. وقتی فکر می‌کنم که جذاب به نظر می‌رسم احساس خوبی در مورد خودم پیدا می‌کنم.	
رقابت							
.۰۳	۱.۰۱	.۸۲	.۰۶	.۸۲	.۰۶	۱. من زمانی با ارزش هستم که عملکردم بهتر از دیگران باشد .	
.۰۳	.۹۲	.۷۹	.۰۶	.۹۸	.۷۲	۲. اگر بدانم کاری را بهتر از دیگران می‌توانم انجام بدهم ، عزت نفسم بیشتر می‌شود	
.۰۳	۱.۰۰	.۷۷	.۰۶	.۵۶	.۴۶	۳. ارزش من تحت تاثیر خوب انجام دادن کارهایم است بخصوص زمانی که با دیگران مقایسه می‌شوم.	
.۰۳	.۹۳	.۷۶	.۰۶	.۷۴	.۴۷	۴. هر وقت عملکرد تحصیلی ام کاهش پیدا می‌کند ، من احساس بدی راجع به خودم پیدا می‌کنم .	
.۰۳	.۷۹	.۷۱	.۰۵	۱.۰۷	.۸۳	۵. اگر کارهای مدرسه ام را بهتر از دیگران انجام بدهم، عزت نفس بهتر ی پیدا می‌کنم .	
شایستگی تحصیلی							
.۰۲	۱.۰۱	.۸۲	.۰۵	۱.۰۹	.۸۶	۱. عزت نفس من تحت تاثیر عملکرد تحصیلی ام است .	
.۰۲	.۶۴	.۷۸	.۰۵	۱.۰۴	.۷۷	۲. اگر کارهای مدرسه ام را خوب انجام بدهم ، احساسم راجع به خودم بهتر می‌شود .	
.۰۳	.۶۳	.۷۵	.۰۵	.۷۶	.۵۳	۳. انجام خوب کارهای مدرسه به من اعتماد به نفس می‌دهد .	
.۰۳	.۷۲	.۶۶	.۰۵	۱.۰۸	.۷۱	۴. هر وقت عملکرد تحصیلی ام کاهش پیدا می‌کند ، من احساس بدی راجع به خودم پیدا می‌کنم .	
.۰۴	.۷۶	.۵۶	.۳	۱.۲۲	.۷۳	۵. نظرم راجع به خودم وابسته به کیفیت درسم در مدرسه نمی باشد	
حمایت خانوادگی							
.۰۳	.۸۳	.۸۱	.۰۷	.۹۴	.۷۳	۱. برای عزت نفسم مهم است که خانواده ام چقدر از من مراقبت میکنند.	
.۰۲	.۷۱	.۷۵	.۰۷	۱.۷۲	.۶۶	۲. وقتی اعضای خانواده ام به من افتخار می‌کنند ، بیشتر احساس با ارزش بودن می‌کنم	

پژوهش حاضر			پژوهش کراکر			عاملها	متغیرها
SE	UL	SL	SE	UL	SL		
.۰۲	.۶۶	.۶۹	.۰۵	.۷۴	.۷۳	۳. دانستن این موضوع که اعضای خانواده مرا دوست دارند، احساس خوبی را به من می‌دهد.	
.۰۲	.۸۴	.۶۸	.۰۷	.۹۵	.۸۶	۴. وقتی احساس کنم که خانواده ام مرا دوست ندارند، عزت نفسم پایین می‌آید.	
.۰۳	.۸۳	.۶۵	.۰۷	.۶۹	.۵۰	۵. احساس بالارزش بودنم، تحت تاثیر ارتباطم با اعضای خانواده نیست. تقوا و پرهیزکاری	
.۰۳	.۹۷	.۸۱	.۰۶	۱.۰۳	.۸۰	۱. عزت نفسم من وابسته به این است که آیا من اصول اخلاقی را دنبال می‌کنم یا نه.	
.۰۳	.۹۹	.۷۷	.۰۷	۱.۰۲	.۶۱	۲. اگر من کارهای غیر اخلاقی انجام بدهم، عزت نفسم آسیب می‌بیند.	
.۰۳	۱.۰۱	.۷۳	.۰۶	۱.۰۴	.۷۰	۳. اگر یک کار اخلاقی را رها کنم نمی‌توانم به خودم احترام بگذارم	
.۰۳	.۷۰	.۶۵	.۰۵	.۵۰	.۶۳	۴. هر وقت اصول اخلاقی را دنبال می‌کنم، احساس احترام به خودم افزایش می‌یابد.	
.۰۴	.۸۵	.۵۷	.۰۶	.۷۰	.۵۵	۵. انجام چیزهایی که می‌دانم غلط است باعث از بین رفتن احترامم به خودم می‌شود.	
عشق به خدا							
.۰۴	۱.۷۷	.۹۵	.۰۷	۱.۰۲	.۷۴	۱. عزت نفسم زمانی که احساس می‌کنم خدا مرا دوست دارد، افزایش می‌یابد.	
.۰۴	۱.۷۸	.۹۴	.۰۷	.۷۶	.۵۱	۲. زمانی که عشق به خدا را داشته باشم، احساس با ارزش بودن می‌کنم	
.۰۴	۱.۷۴	.۹۱	.۰۶	۱.۰۲	.۶۷	۳. اگر احساس کنم خدا دوستم ندارد، عزت نفسم را از دست می‌دهم	
.۰۴	۱.۷۵	.۹۰	.۰۷	۱.۰۳	.۶۸	۴. ارزش من وابسته به عشق به خداست.	
.۰۴	۱.۶۶	.۸۸	.۰۷	.۵۷	.۶۰	۵. وقتی فکر کنم که از دستورات خداوند پیروی نکرده‌ام، احساس بدی در مورد خودم پیدا می‌کنم.	

بارگذاری غیر استاندارد = UL    بارگذاری استاندارد = SE

جدول ۵ نشان دهنده فاکتورهای تأییدی هر متغیر خود ارزشی مشروط و انحراف استاندارد متغیرها است که این نتایج به وسیله نرم‌افزار AMOSE به دست آمده و در این جدول نتایج دو پژوهش مقایسه شده است که می‌توان گفت نتایج مقیاس خود ارزشی مشروط ایرانی نتایج نسخه انگلیسی را به اصطلاح به دست داده است.

جدول ۶ شاخص‌های برازندگی مدل نمونه ایرانی پژوهش را نشان می‌دهد. طبق مندرجات

جدول ۶، برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مقدار مجذور کای<sup>۱</sup> ( $\chi^2$ )، سنجه هنجار شده مجذور کای<sup>۲</sup> (نسبت مجذور کای بر درجات آزادی)، شاخص برازش هنجار شده (NNFI)<sup>۳</sup>، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)<sup>۴</sup>، شاخص برازش تطبیقی (CFI)<sup>۵</sup>، شاخص نیکویی برازش (GFI)<sup>۶</sup> و شاخص برازش هنجار شده (NFI)<sup>۷</sup>، و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب<sup>۸</sup> (RMSEA) استفاده شد.

جدول ۶: شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش

شاخص آماری مدل	X <sup>2</sup>	df	$\chi^2/df$	NFI	CFI	RMSEA	GFI	AGFI	NNFI
نمونه ایرانی	۱۸۰۰/۰۷	۵۳۹	۳/۳۳	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۰۷	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۹۲
انگلیسی (کراکر)	۲۴۹۴/۱	۵۳۹	۴/۶۲	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۰۵	-	-	-

برای پی بردن به اینکه آیا این مدل (خود ارزشی مشروط) مدل مناسبی در نمونه ایرانی است یا نه داده‌های جدول ۶ لازم است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که مجذور کای بر درجات آزادی ۳/۳۳، در سطح معناداری ۰/۰۰۱ < p است که اغلب مقادیر بین ۲ تا ۳ را برای این شاخص مقبول می‌دانند (قاسمی، ۱۳۸۹). با این حال دیدگاه‌ها در این باره متفاوت است. به عنوان مثال کارماینز و مک ایور (۱۹۸۱: ۸۰؛ به نقل از قاسمی ۱۳۸۹) مقادیر (۲ تا ۳)، اولمن (۲۰۰۱: ۴۸) مقادیر بین (۱ تا ۲) و بر اساس آنچه شوماخر و لومکس (۲۰۰۹) مقدار مقبول آن را بین ۱ تا ۵ پیشنهاد می‌کند که این مقدار در نمونه ایرانی مقدار خوبی است (شوماخر و لومکس، ۲۰۰۹؛ به نقل از قاسمی، ۱۳۸۹). علاوه بر شاخص فوق، شاخص‌های دیگر نیز برای مدل مزبور محاسبه شده که یکی از این شاخص‌ها، شاخص RMSEA (جذرمیانگین مجذورات خطای تقریب)<sup>۹</sup> است که بیان‌کننده ارزش عددی برابر با ۰/۰۷ است

1. Chi-Square
2. Normed  $\chi^2$  Measure
3. Non- Normed Fit Index
4. Adjusted Goodness of Fit Index
5. Comparative Fit Index
6. Goodness of Fit Index
7. Normed Fit Index
8. Root Mean Square Error of Approximation
9. Root Mean Square Error of Approximation

و از آنجا که این مقدار بزرگ‌تر از ۰/۰۵ (فاصله مورد قبول) به دست آمده، نشان‌دهنده یک برازش ضعیف برای این مدل ایرانی است. شاخص دیگر، شاخص برازش هنجار شده (NNFI)، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازش هنجار شده (NFI)، بیان‌کننده این است که هر چه این پنج شاخص به یک نزدیک‌تر باشد، بیان‌کننده برازش بهتر مدل است (قاسمی و امیری، ۱۳۹۰). که در مدل حاضر این پنج شاخص از ۰/۹ بالاتر هستند که نشان‌دهنده برازش خوب مدل ایرانی است. با توجه به آنچه که شرح داده شد و با توجه به اینکه مجذور کای بر درجه آزادی و RMSEA در این مدل بالاتر از مقدار مقبول است. در کل مقیاس خود ارزشی مشروط را می‌توان در جامعه ایرانی در موارد آموزشی و درمانی به کار برد.

برای اینکه این مقیاس در کارهای درمانی و آموزشی نیز کاربرد داشته باشد نقطه برش این مقیاس ذکر می‌شود. برای به دست آوردن نقطه برش نمرات خام به نمرات Z تبدیل شدند و نمراتی که ۲ انحراف استاندارد بالاتر از میانگین بودند انتخاب شدند و میانگین این نمرات به عنوان نمره برش لحاظ شد که برابر با ۳۱/۵۳ بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی روایی و پایایی مقیاس خود ارزشی مشروط در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اصفهان بود. مقیاس یاد شده در میان ۴۴۸ نفر از دانش‌آموزان (۲۰۰ دختر و ۲۴۸ پسر) دبیرستانی انجام شد.

همان‌گونه که نتایج پایایی و روایی این پژوهش نشان داد، این مقیاس در میان نمونه ایرانی از روایی و پایایی خوبی بهره‌مند است. همچنین یافته‌های این پژوهش با یافته‌های دیگر همخوانی نزدیکی دارد. کراکر و همکاران (۲۰۰۳) ضریب پایایی این مقیاس را ۰/۸۰ گزارش کردند که با یافته‌های این بررسی (۰/۸۳) همخوانی دارد. در پژوهش کراکر بیش‌ترین ضریب پایایی را مقیاس رقابت (۰/۸۷) به خود اختصاص داد، در این پژوهش بیش‌ترین ضریب پایایی مربوط به خرده مقیاس تأیید دیگران (۰/۸۴) به دست آمد. شاید یکی از دلایل این موضوع این باشد که فردیت‌گرایی و رقابت در جامعه مورد مطالعه کراکر مهم‌تر بود و تأیید دیگران در جامعه بزرگ فردیت بیش‌تری را به خود اختصاص می‌دهد.

در زمینه روایی این مقیاس باید بیان کرد که در این پژوهش برای به دست آوردن روایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد یعنی نتایج قبلی پژوهش کراکر و همکاران با نتایج این پژوهش به کمک نرم افزار AMOSE مقایسه شد. همان‌طور که در قسمت یافته‌ها به‌طور کامل آورده شد، اکثر نتایج این پژوهش با یافته‌های کراکر و همکاران همخوانی دارد. در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که این مقیاس دارای روایی و پایایی خوبی در میان نمونه ایرانی است و می‌توان از آن در جامعه ایرانی استفاده کرد.

همچنین در این پژوهش برای تعیین روایی این مقیاس از روایی همگرای پرسشنامه عزت نفس رزنبرگ استفاده شد. مقایسه نتایج بین این دو همبستگی در پژوهش حاضر و کراکر نشان‌دهنده تفاوت‌های فرهنگی در استفاده از مقیاس خود ارزشی مشروط است. درباره تأیید دیگران، همبستگی بین عزت نفس و تأیید دیگران در نمونه پژوهش حاضر معنادار نبوده است. یعنی در فرهنگ نمونه حاضر تأثیر دیگران ارتباطی به میزان عزت نفس ندارد و شاید یک نیاز همگانی است، اما درباره خود ارزشی مشروط به ظاهر نتایج بیان‌کننده رابطه مثبت و معنادار با عزت نفس است، یعنی افراد دارای عزت نفس بالا، مشروطیت عزت نفس آن‌ها بیش‌تر به ظاهر است. شاید ظاهر و آراستگی آن شرطی برای عزت نفس افراد محسوب شود، اما در مطالعه کراکر رابطه منفی است به این معنا که با افزایش عزت نفس خود ارزشی مشروط به ظاهر کاهش و بر عکس با افزایش خود ارزشی مشروط به ظاهر، عزت نفس کاهش می‌یابد.

درباره رقابت نیز نتایج ناهم‌سوست. یعنی خود ارزشی مشروط درباره رقابت با عزت نفس در جامعه کراکر ارتباط منفی وجود دارد. یعنی هر چه افراد عزت نفس بالاتری داشته باشند میزان خود ارزشی مشروط آن‌ها برای رقابت کم‌تر است، اما در جامعه مطالعه حاضر رقابت‌جویی مشروط رابطه مثبت و معناداری با عزت نفس دارد. شاید در میان دانش‌آموزان داشتن عزت نفس مشروط به رقابت‌جویی با دیگران است. در جامعه پژوهش حاضر خود ارزشی مشروط به شایستگی تحصیلی با عزت نفس فرد رابطه مثبت داشته، اما در جامعه کراکر این رابطه وجود ندارد. در جامعه آماری کراکر خود ارزشی مشروط به حمایت خانواده با عزت نفس رابطه مثبت و معنادار نشان داد، اما در مطالعه حاضر این ارتباط معنادار نبوده است.

درباره تقوا و عشق به خدا در جامعه حاضر خودارزشی مشروط بوده، و با نمرات عزت نفس رابطه دارد، اما در جامعه مطالعه کراکر ارتباط معناداری نشان نداد. این نشانه وابسته به

فرهنگ بودن مقیاس خود ارزشی مشروط است. فرهنگ هر جامعه نیز خصوصیات معین دارد. در هر جامعه فلسفه اجتماعی خاصی حاکم بر آداب و رسوم، افکار و عقاید و عادات و تمایلات مردم آن جامعه است. بنابراین، بررسی جنبه‌های فرهنگی هر جامعه ضروری است (شریعتمداری، ۱۳۸۰). در نتیجه فرهنگ می‌تواند بر روی شیوه تربیت و عزت نفس افراد تأثیرگذار باشد. یعنی افراد در جوامع مختلف و بر حسب فرهنگ موجود، شرایط ارزشی خاصی برای خود قائل می‌شوند و با جامعه دیگر متفاوت است.

عزت نفس یعنی نظر شخص درباره خودش. این نظر از طریق ارزیابی شخص از خودش، ظاهر، هوش، موفقیت اجتماعی خود و از طریق ارزیابی دیگران از آن‌ها رشد می‌کند. بنابراین، عقیده درباره خوبی یا بدی رفتارها، زشتی یا زیبایی قیافه، کمی یا زیادی هوش، شکل ظاهری و عقاید دیگران به فرد در ارزیابی عزت نفس کمک می‌کند. در این بین گاهی ما با دو نوع از افراد مواجه می‌شویم. ((الف)) کسانی که عزت نفس ضعیفی دارند، به استعداد‌های خود اطمینان ندارند و خیلی ارزیابی دیگران برای آن‌ها ارزش دارد و ارزش و عزت نفس خود را در پیشرفت تحصیلی، پول، تأیید دیگران، پیروز شدن در یک مبارزه یا رقابت می‌دانند. این افراد گاهی اگر دیگران از آن‌ها انتقاد کنند به هم می‌ریزند و عزت نفس خود را سریع از دست می‌دهند. ((ب)) در مقابل این افراد، کسانی هستند که درست است عقاید دیگران برای آن‌ها اهمیت دارد، اما نه به حد گروه اول، این افراد نظرات دیگران را می‌گیرند و در مقابل به استعدادها، توانایی‌ها و ... خود نیز اعتقاد دارند. این افراد در کارها خطر می‌کنند و در کارهای سطح بالا می‌روند چون به خود اعتقاد و ایمان دارند. این افراد بهتر می‌توانند در محیط‌های مختلف سازگار بشوند، اضطراب کم‌تری می‌گیرند، در مقابل انتقاد‌های دیگران چندان حساسیتی به خرج نمی‌دهند و در کل نسبت به خود احساس بهتری دارند. همان‌طوری که در این پژوهش هم اشاره شد، گاهی افراد دارای عزت نفس مشروط هستند یعنی عزت نفس خود را در داشتن بعضی چیزها می‌دانند مثلاً موفقیت تحصیلی، رقابت، ظاهر، تأیید دیگران و .... این افراد در صورت به دست آوردن این موارد از عزت نفس خوبی بهره‌مند هستند و اگر در رسیدن به این موارد با شکست مواجه شوند احساس ضعف و عزت نفس پایین می‌کنند. این افراد گاهی به راحتی نمی‌توانند در جامعه ارتباط برقرار کنند و از طرفی دیگر اگر هم ارتباط برقرار کنند بیش‌تر در پی این هستند که افرادی را پیدا کنند که آن‌ها را تأیید کنند و انتقاد

کم‌تری به آن‌ها بگیرند. این افراد احساس منفی نسبت به رقابت دارند، زیرا احساس خود کم بینی می‌کنند و می‌خواهند در تمام رقابت‌ها و جدال‌ها برنده بیرون بیایند. این افراد در صورت شکست دیدی منفی نسبت به خود و استعداد‌های خود پیدا می‌کنند. شاید یکی از دلایل این نوع عزت نفس را می‌توان در دوران کودکی ریشه‌یابی کرد. جایی که پدر و مادرها فرزندان خود را به خاطر موفقیت و معدل تحصیلی، ظاهر، رقابت و ... تشویق می‌کنند و کودک با به دست آوردن این موارد است که پاداش دریافت می‌کند و مورد توجه والدین قرار می‌گیرد؛ لذا کودک از همان ابتدا در پی به دست آوردن این مواردی است که مورد توجه والدین است و در صورت به دست نیاوردن آن‌ها احساس خلاء و ضعف در خود و نسبت به تمام استعدادها و توانایی خود می‌کند. اگر والدین در دوران کودکی به تمام رفتارها و استعداد‌های فرزندان، چه مثبت و چه منفی توجه خاصی کنند و شروع به ارزش‌گذاری خاصی نکنند، فرزندان از همان ابتدا با توجه به داشته‌ها و نداشته‌های خود شروع به رشد و پیشرفت می‌کنند.

بر اساس نتایج پژوهش‌های انجام شده و یافته‌های این پژوهش می‌توان به این نتیجه دست یافت که خودارزشی مشروط دانش‌آموزان می‌تواند در پیش‌بینی موفقیت افراد مورد استفاده متخصصان و کارشناسان تعلیم و تربیت قرار گیرد. بر همین اساس لازم است مسئولان امر در برنامه‌های آموزش خانواده برای ترغیب و تشویق در جهت بهبود و بهینه کردن سطح خودارزشی افراد تلاش کنند و با بهبود زمینه‌خانوادگی، سلامت روانی دانش‌آموزان را بهبود بخشند. و از این طریق در دستیابی به موفقیت آن‌ها را یاری دهند.

محدودیتی که در اغلب پژوهش‌های علوم انسانی وجود دارد، محدودیت پرسشنامه‌ها در مبانی و اجرا است (که هر پاسخگو قصد دارد خود را ایده‌ال جلوه دهد و با توجه به پرسشنامه‌های زیاد و تعداد سؤالات زیاد) مطمئناً چنین محدودیتی گریبان‌گیر همه پژوهش‌های از این دست از جمله پژوهش حاضر نیز بوده است. البته، در این پژوهش سعی شد از طریق تهیه هدیه و ایجاد یک ارتباط مؤثر تا حد ممکن این محدودیت کاهش یابد.

قدردانی: نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از تمامی مدیران و معلمان آموزش و پرورش که در جریان اجرای این پژوهش همکاری داشتند و همچنین از تمامی دانش‌آموزانی که در پژوهش شرکت کردند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند تشکر نمایند.

## منابع

- احمدی، بتول (۱۳۸۸). رابطه احساس تنهایی و عزت نفس با سبک‌های دلبستگی دانشجویان. *مجله مطالعات روانشناختی*. دوره ۵، شماره ۱ ص ۹۵-۱۱۲.
- پیوسته‌گر، مهرانگیز، یزدی، سیده منور و مختاری، لیلا (۱۳۸۹). رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان. *مجله مطالعات روانشناختی*. دوره ۷، شماره ۱، ص ۱۴۴-۱۲۷.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۰). رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی، تهران: سمت.
- فراهانی، حجت الله و عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۴). روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی. اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۹). مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد اموس. تهران: جامعه شناسان. ص: ۲۶۶-۲۷۷.
- قاسمی، وحید و امیری اسفرجانی، زهرا (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان). *مجله جامعه شناسی کاربردی*، ۴۲ و ۴۶-۲۱.
- محمدی، نوراله (۱۳۸۴). بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس عزت نفس روزنبرگ. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*. سال اول، شماره چهارم، ۳۲۰-۳۱۳.
- Allport, G. W. (1955).** *Becoming*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Baker, M., & Gorusch, R. (1984).** Trait anxiety and intrinsic-extrinsic religiousness. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 21, 119-122.
- Blaine, B., & Crocker, J. (1995).** Religiousness, race, and psychological well-being: Exploring social psychological mediators. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 21, 1031-1041.
- Baker, M., & Gorusch, R. (1984).** Trait anxiety and intrinsic-extrinsic religiousness. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 21, 119-122.
- Benson, P., & Spilka, B. (1973).** God image as a function of self-esteem and locus of control. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 12, 297-310.
- Bergin, A. E., Masters, K. S., & Richards, P. S. (1987).** Religiousness and mental health reconsidered: A study of an intrinsically religious sample. *Journal of Counseling Psychology*, 34, 197-204.

- Blaine, B., & Crocker, J. (1995).** Religiousness, race, and psychological well-being: Exploring social psychological mediators. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 21, 1031–1041.
- Bowlby, J. (1982).** *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment* (2nd ed.). New York: Basic Books.
- Cooley, C. H. (1902).** Human nature and the social order. New York: Scribner's.
- Bartholomew, K. (1990). Avoidance of intimacy: An attachment perspective. *Journal of Social and Personal Relationships*, 7, 147–178.
- Cooper Smith, S. A (1967).** *The antecedent of self-esteem. Freedman and company sanfrancisco.*
- Crocker, J., & Lawrence, J. S. L. (1999).** Social stigma and self-esteem: The role of contingencies of self-esteem. In D. Prentice & D. Miller (Eds.), *The cultural divide* (pp. 364–392). New York: Russell Sage Foundation.
- Crocker, J., Luhtanen, R. K. M., & Cooper, L. (2003).** Contingencies of Self-Worth in College Students: Theory and Measurement. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85, 5, 894–908.
- Crocker, J., & Wolfe C.T. (2001).** Contingencies of self-worth. *Psychological Review*, 108:593–623.
- Crocker, J. (2002). Contingencies of self-worth: Implications for self-regulation and psychological vulnerability. *Self and Identity*, 1, 143–149.
- Crocker, J., Sommers, S. R., & Luhtanen, R. K. (2002).** Hopes dashed and dreams fulfilled: Contingencies of self-worth and admissions to graduates school. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 1275–1286.
- Crocker, J., & Park, L. E. (2004).** The costly pursuit of self-esteem. *Psychological Bulletin*, 130, 392–414.
- Cross, S., & Madson, L. (1997).** Models of the self: Self-construals and gender. *Psychological Bulletin*, 122, 5–37.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1995).** Human autonomy: The basis for true self-esteem. In M. H. Kernis (Ed.), *Efficacy, agency, and self-esteem* (pp. 31–49). New York: Plenum Press.
- Demo, D. H., & Parker, K. D. (1987).** Academic achievement and self-esteem among Black and White college students. *Journal of Social Psychology*, 4, 345–355.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1991).** A motivational approach to self: Integration in personality. In R. Dienstbier (Ed.), *Nebraska Symposium on Motivation: Vol. 38. Perspectives on motivation* (pp. 237–288). Lincoln: University of Nebraska Press.
- Gallup, G. H. J., & Bezilla, R. (1992).** *The religious life of young Americans.* Princeton, NJ: The George H. Gallup International Institute.
- Griffin, D., & Bartholomew, K. (1994).** Models of self and other: Fundamental dimensions underlying measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 430–445.

- Guttman, L. (1954).** A new approach to factor analysis: The radex. In P. Lazarfeld (Ed.), *Mathematical thinking in the social sciences* (pp. 258–348). New York: Free Press.
- Harter, S. (1986).** Processes underlying the construction, maintenance, and enhancement of the self-concept in children. In J. Suls & A. W. Greenwald (Eds.), *Psychological perspectives on the self*, 3, 136–182.
- Hoge, D. R., Smit, E. K., & Hanson, S. L. (1990).** School experiences predicting changes in self-esteem of sixth- and seventh-grade students. *Journal of Educational Psychology*, 82, 117–127.
- James, W. (1980).** *The principles of psychology* (Vol. 1). Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Josephs, R. A., Markus, H. R., & Tafarodi, R. W. (1992).** Gender and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 391–402.
- Kernis, M. H., & Waschull, S. B. (1995).** The interactive roles of stability and level of self-esteem: Research and theory. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology*, 27, 93–141.
- Kernis, M. H. (2003).** Toward a conceptualization of optimal self-esteem. *Psychological Inquiry*, 14, 1–26
- Major, B., Spencer, S., Schmader, T., Wolfe, C., & Crocker, J. (1998).** Coping with negative stereotypes about intellectual performance: The role of psychological disengagement. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 24, 34–50.
- Marsh, H. W. (1986).** Global self-esteem: Its relation to specific facets of the self-concept and their importance. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1224–1236.
- Marsh, H. W. (1993).** Relations between global and specific domains of self: The importance of individual importance, certainty, and ideals. *Journal of Personality and Social Psychology*, 65, 975–992.
- Mead, G. H. (1934).** *Mind, self, and society*. Chicago: University of Chicago Press.
- Nelson, P. (1989).** Ethnic differences in intrinsic/extrinsic religious orientation and depression in the elderly. *Archives of Psychiatric Nursing*, 3, 199–204.
- Osborne, J. W. (1995).** Academics, self-esteem, and race: A look at the underlying assumption of the disidentification hypothesis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 21, 449–455.
- Pyszczynski, T., Greenberg, J., & Goldenberg, J. (2003).** *Freedom in the balance: On the defense, growth, and expansion of the self*. In M. Leary & J. Tangney (Eds.), *Handbook of self and identity* (pp. 314–343). New York: Guilford Press.
- Ryan, R. M., & Connell, J. P. (1989).** Perceived locus of causality and internalization: Examining reasons for acting in two domains. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 749–761.

- Rosenberg, M., Schooler, C., Schoenbach, C., & Rosenberg, F. (1995).** Global self-esteem and specific self-esteem: Different concepts, different outcomes. *American Sociological Review*, 60, 141–156.
- Rosenberg, M. (1979).** *Conceiving the self*. New York: Basic Books.
- Richman, C. L., Clark, M. L., & Brown, K. P. (1985).** General and specific self-esteem in late adolescent students. *Adolescence*, 20, 555-566.
- Schalbe, M. L., & Staples, C. L. (1991).** Gender differences in sources of self-esteem. *Social Psychology Quarterly*, 54, 158–168.
- Spilka, B., Shaver, P. R., & Kirkpatrick, L. A. (1985).** A general attribution theory for the psychology of religion. *Journal of the Scientific Study of Religion*, 24, 1–20.
- Sorotzkin, B. (1998).** Understanding and treating perfectionism in religious adolescents. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 35(1), 87-95.
- St. George, A., & McNamara, P. H. (1984).** Religion, race, and psychological well-being. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 23, 351–363.
- Steele, C. M. (1997).** A threat in the air: How stereotypes shape intellectual identity and performance. *American Psychologist*, 52, 613–629.
- Solomon, S., Greenberg, J., & Pyszczynski, T. (1991).** A terror management theory of social behavior: The psychological functions of self-esteem and cultural worldviews. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 24, pp. 91–159). San Diego, CA: Academic Press.
- Wolfe, C.T, & Crocker, L.E. (2001).** *What does the self want? A contingencies of self-worth perspective on motivation.* In Kunda Z, Spencer S, eds. *The Ontario Symposium: Goals and motivated cognition*. Hillsdale, NJ: Erlbaum, pp. 147–170.